روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۷ دی ۱۳۹۸ • ۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۲۸ دسامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۶۰۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۹ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

پیشخوان

در ستایش لیبرالیسم

● شماره دوازدهم فصلنامه «سیاست‌نامه» به مدیرمسئولی حامد زارع و سردبیری محمد قوچانی چند هفته‌ای است که منتشر شده است. شماره جدید این نشریه حوزه اندیشه سیاسی، با جستاری از سردبیر آن آغاز می‌شود. قوچانی سرمقاله خود عنوان «احیاگران لیبرالیسم» را ادای دینی به سه آموزگار لیبرالیسم جدید در ایران می‌داند و در آغاز سخن خود می‌نویسد: «همان‌گونه که فیلسوفانی چون کارل پوپر و فون هایک با اثرگذاری مستقیم بر سیاستمدارانی چون مارگارت تاچر و رونالد ریگان در برابر افیون کارل مارکس و نوشداروی جان میناردِ کینز، لیبرالیسم را در اروپا و آمریکا احیا کردند، روشنفکرانی مانند عزت‌الله فولادوند و موسی غنی‌نژاد در ایران این کوشش را در پیش گرفتند. نقش سیدجواد طباطبایی در تأویل هگل در تکامل این پرونده به نوعی منحصربه‌فرد است».

در بخش «اتاق فکر» سه مقاله از اعضای شورای علمی این فصلنامه منتشر شده است. در نخستین مقاله با عنوان «سنت و نص» سیدجواد طباطبایی به نقد داود فیرحی و پاسخ به این سؤال پرداخته که «چرا نمی‌توان اصلاح دینی در اسلام را به روش الهیات مسیحی تحلیل کرد؟» موسی غنی‌نژاد هم در مقاله‌ای با عنوان «در مسلخ سوسیالیسم» به نقد فهم فعالان سیاسی چپ‌گرا و اصلاح‌طلب از مفهوم لیبرالیسم می‌پردازد. احمد نقیب‌زاده دیگر عضو شورای علمی مجله با عنوان «قحط‌الرجال» فضای سیاسی و حزبی سال‌های اخیر فرانسه را نقد کرده است. در بخش «دیدار» نیز گفت‌وگویی خواندنی با احمد زیدآبادی درباره «بحران آکادمی ایرانی» کار شده است. در بخش ایرانشهر، پرونده‌ای با رویکرد جامعه‌شناسی در نقد و بررسی سخنان سیدمحمد خاتمی در باب فدرالیسم مشاهده می‌شود. میزگرد صادق زیباکلام و شروین وکیلی در بررسی نسبت ایران و فدرالیسم هم به علت اختلاف‌نظرهای این دو، به مناظره‌ای خواندنی تبدیل شده است. «شهر فرنگ» نیز به یک‌سالگی جنبش جلیقه‌زردها در فرانسه و جنبش‌های اجتماعی و اقتصادی در اروپا اختصاص دارد. بخش «جامعه باز» داستان تصویر جلد سیاست‌نامه را در خود جای داده است. در ضمیمه کتاب‌نامه هم کتاب‌هایی از مایکل سندل، کنت والتز، راجر اسکروتنو و آلبر کامو مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

کارتون خواب

سرگئی سمندیاف

مرور ۲۰۱۹

وجدان‌های معذب جمعی

مینو مرتاضی‌لنگرودی

جُستن و یافتن مهم‌ترین اتفاق سال در زندگی روزمره که اصلی‌ترین قلمرو تولید معنا و بروز توانایی‌های فردی و قابلیت‌های جمعی است، کنش‌های بیهوده‌ای هستند. «اتفاق»، «حادثه»، «واقعه» یا «رخداد»؛ هرچه از این دست معانی در زندگی روزمره و خارج از اراده آدمی رخ می‌دهد، فی‌نفسه ارزش و اهمیت ندارند. هر اتفاقی اعتبار و اهمیتش را از نتیجه‌ای که دربر دارد، می‌گیرد. هر اندازه میزان شناخت و وسعت تغییر و تحولی که یک رخداد تازه در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها ایجاد می‌کند، به همان اندازه رخداد اهمیت می‌یابد. هر رخداد در زندگی روزمره را می‌توان به‌منزله امکانی برای بازگشت به خود و بازبینی وضعیت فردی و جمعی به کار گرفت. استخراج امکان موجود در درون رخدادهای احتمالی یا قطعی زندگی روزمره نیاز به شناخت واقعیت و توانایی تفکیک امر واقع از امر خیالی دارد. با این مقدمه می‌توان گفت انواع رخدادهای مؤثر بر طبیعت و تاریخ، در اصل رخدادهایی هستند که بر زیست جمعی و فردی انسان‌ها اثر می‌گذارند. هر رخداد خارج از اراده جمعی و فردی زمانی مهم تلقی می‌شود که بتواند انگیزه و توان لازم را برای عبور از وضع موجود «بودن در جهان آن‌گونه که هست» به سمت‌وسوی «زندگی مطلوب در جهانی آن‌گونه که باید باشد»، در آدمیان برانگیزاند. هر رخداد خارج از اراده جمعی و فردی فی‌نفسه حامل این انگیزه است؛ مگر اینکه با بی‌اعتنایی، انکار، عادت و اصرار بر حضور منفعلانه و ترس از تغییرات ناشناخته، انرژی و پتانسیل تغییردهندگی رخداد را انکار کرده و از رخداد ناخواسته بازستانده شود. رخدادهای طبیعی در حیات روزمره طبیعت مانند سیل، زلزله، آتشفشان، توفان و سونامی‌ها با طور به‌طور و جابه‌جاکردن اجزا، قابلیت ماندگاری و هستی طبیعت را افزایش می‌دهند. رخدادهای اجتماعی پتانسیل آن را دارند که درجه آگاهی جامعه را به‌طور ناگهانی و معجزه‌واری افزایش دهند. رخدادهای عاطفی در جهان فردی که در رهگذر عمر بر جان آدمی می‌وزد، توان این را دارد که ابر و آلودگی‌های واقعیت درجهان‌بودگی به هر قیمت را در وجود آدمی کنار بزند. انسان‌ها به وساطت انواع رخدادها، فرصت بازشناختن قابلیت‌ها و توان انسانی خود را می‌یابند؛ اما استفاده از فرصت یا نادیده‌گرفتن فرصت‌ها، به آگاهی، اراده و شناخت وضعیت فردی و جایگاه اجتماعی آدمیان بستگی تام دارد. در سال گذشته هر هم‌وطن ساکن ایران یکسره در معرض بمباران حوادث و رخدادهای طبیعی مثل سیل و خشک‌سالی و رخدادهای اعتراضی سیاسی و اجتماعی و انواع کنش‌های عاطفی و قهر و آشتی‌ها قرار داشت. این رخدادها از بطن روزمرگی و در متن زندگی جمعی اتفاق افتاده‌اند. اتفاقاتی که از یک سو به صاحب‌نظران می‌فهماند اتفاقات به‌وقوع‌پیوسته در قلمرو زندگی روزمره می‌تواند امکانات نهفته یا پنهان در این ساحت‌ها را برملا و فعال کند و از سوی دیگر به هر موجود انسانی می‌آموزد رخدادهای ناخواسته که به وقوع می‌پیوندند، با افزایش قابلیت‌های آدمی توان عبور از «بودن» را به سمت «شدن» برای فرد و جامعه مهیا می‌کنند. در یک سال گذشته شاهد وقوع سیل‌های مهیب و زلزله‌های متعدد و اتفاقات ریز و درشت غم‌انگیز و شاد بی‌شماری در کشور بوده‌ایم. وقایعی که از طرفی جان و مال تعداد کثیری از هم‌وطنان را ربود و از طرف دیگر همین اتفاقات نیروی همدلی و وفاق جمعی با آسیب‌دیدگان را به نحو شگفت‌انگیزی بین مردم افزایش داد. در جهان کنونی که تمام و کمال تحت سلطه رسانه‌ها و اخبار خاص‌شان قرار دارد و به قول شاعر هر لحظه از این باغ بری می‌رسد، تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد. هنگام نوشتن این سطور نیز اخبار رخدادهای نو به نو می‌رسد. از سویی واقعه مرگ دو نوجوان کولبر، اشک بر چشم‌ها روان و وجدان جمعی را معذب می‌کند و از سوی دیگر خبر کنش مدنی خیرخواهانه دختران جوان در شب یلدا بر جان دل می‌نشیند. دخترانی آگاه و دغدغه‌مند به جای نشستن در خانه، به انتظار سرآمدن شب و دمیدن سپیده در میدان تجریش جمع شدند و در ازای گرفتن مبالغ ناچیز و حتی در ازای گرفتن یک میوه، برای هدیه‌دهندگان فالی از حافظ گرفتند. مردم به شوق یاری و به بهانه حافظ‌خوانی دورشان جمع شدند و سپس هدایای جمع‌آوری‌شده را به میدان راه‌آهن و شوش و تیر دوقلو بردند و آنجا هم با اهدای هدایای مردم به مردم، برای بچه‌های کار و خیابان فال حافظ گرفتند و شبی خاطره‌انگیز برای خود و مردمشان ساختند. از نظر این‌جانب، هر اتفاقی که وفاق، همدلی، آگاهی، قابلیت و توان جمعی را برانگیزد، مهم است؛ از دخترکی که پلی می‌شود تا راه زنان برای رفتن به ورزشگاه را هموار کند تا ورزشکارانی که سر تعظیم در برابر چنین ازجان‌گذشتگی فرود می‌آورند. شادی‌ها و غم‌های جمعی، سرافرازی‌ها و عزت‌نفس جمعی و جراحات و عزاهای جمعی و شکل‌گیری وجدان‌های معذب جمعی همراه با امید جمعی، اتفاقات پراهمیت در قلمرو زندگی روزمره هستند. وقتی سخن از امید به میان می‌آید، منظور تقلیل‌دادن امید به خوش‌بینی عاطفی نیست؛ بلکه امید به پتانسیل و انرژی تغییر نهفته درون هر رویداد است که به‌محض وقوع نمایان می‌شود. نتیجه آنکه سال‌ها در هیئت‌های ساختگی موش، شیر و مار می‌آیند و می‌روند؛ اما این روزها هستند که در بستر روزمرگی آبستن وقایع مهم و تغییرات فزاینده هستند.

جان برای نان

بر کولبرها چشم نبندیم

امیرشهاب رضویان

مسئله کولبرها بیش از ۳۰ سال است که در ایران وجود دارد؛ چه در کردستان ایران و چه در کردستان عراق پدیده کولبری هست. عکس‌های صف‌های طولانی کولبران در کوهستان بسیار تأمل‌برانگیز است. در اواسط دهه ۶۰، یک سال از خدمت سربازی من در مناطق مرزی آذربایجان غربی، کردستان ایران و عراق گذشت؛ در آن سال‌ها در مرزهای اشنویه، پیرانشهر، سردشت و... کسانی که با قاطر یا به صورت کولبری از عراق جنس می‌آوردند، آزادانه تردد می‌کردند و نیروهای نظامی هم با اینها درگیر نمی‌شدند و این رفت‌وآمد باعث امن‌شدن نقاط مرزی شده بود. بعد از پایان جنگ، پدیده کولبری گسترش پیدا کرد و دولت‌ها به جای ساماندهی آن، نادیده‌اش گرفتند و این مسئله به‌مرور به معضلی فراگیر تبدیل شده است که نادیده‌گرفتن آن از سوی دولت‌ها ممکن نیست. الان در کردستان امکانات شغلی کم است، کارخانه وجود ندارد، کارگاه تولیدی وجود ندارد، اگر هم هست، تعطیل و نیمه‌تعطیل است. در شرایطی که هیچ نوع منبع معاشی چه در کردستان و چه در بلوچستان نیست، نتیجه‌اش شغل کولبری در کردستان با درآمد اندک می‌شود که شغل نفرات زیادی از طبقات فرودست جامعه است و در بلوچستان نیز قاچاق سوخت به آن‌سوی مرز شغل مردمان مرزنشین می‌شود. هر از گاهی نیز مرزبان‌های ما به سوی این کولبرها و حتی قاطرهایشان شلیک می‌کنند که اینها زخمی و کشته می‌شوند که بسیار غم‌انگیز است. دولت‌ها به جای حل‌کردن این مسئله، بر آن چشم می‌بندند و این معضل را نمی‌بینند. صورت‌مسئله قاچاق و کولبری را نمی‌توان پاک کرد، درباره این مسئله باید پژوهش و کارشناسی شود و بعد برایش راه‌حل پیدا کنیم. ده‌ها کیلومتر مرز کنترل‌ناپذیر در منطقه وجود دارد و طی این سال‌ها به جای قانونمندکردن موضوع، نادیده‌اش گرفته‌ایم.

غم‌انگیز است که دو نوجوان ۱۴ و ۱۷ساله به نام‌های فرهاد و آزاد در کولاک کردستان بمیرند و معضل همچنان باقی باشد. مسئله مرگ این دو نوجوان کولبر باید مسئله رئیس‌جمهور و هیئت دولت ما نیز باشد. بسیار ضروری است هر چه زودتر فکری برای ایجاد شغل و معیشت مناطق مرزی‌مان شود و باید به دنبال راه‌حلی برای قاچاق کالا در این مناطق بود، چراکه همواره قاچاق کالا در جنوب، شرق و غرب کشور جریان داشته و این مسئله‌ای است که به جای قانونمندکردن فرایند واردات، نباید با آن برخورد قهرآمیز شود. این اجناس به‌ناچار وارد کشور می‌شود و در قالب گمرگ و مالیات می‌توانیم آن را قانونمند کنیم که قطعا مضراتش خیلی کمتر از سود آن خواهد بود.

حالا تازه دارند لایحه به مجلس می‌برند که مرزبان‌ها به این هم‌وطنان مستأصل شلیک نکنند، انگار کولبرها مسلح‌اند و هدفشان درگیری مسلحانه است! و از طرفی شاهکار دولت دلجویی از خانواده دو گل پرپرشده گرفتار در کولاک می‌شود. نه آقای رئیس‌جمهور! به جای رسیدگی به این خانواده، راهی برای حل معیشت هزاران خانواده کولبر بیندیشید. البته اگر خبر مرگ این دو جوان را چند جمعه بعد از گران‌شدن بنزین شنیده باشید!

تحلیل

سالگرد حادثه کشتی سانچی است

رؤیا افشار
بازیگر

● حالم خوب نیست... زنگ زدم به مادر یکی از...
_ سلام مادر
_ سلام
_ زنگ زدم...
- داشتم خفه می‌شدم، اگه به دادم نرسیده بود...
_ زنگ زدی ببینی هنوز زنده‌ام یا نه؟
_ زنده‌اید شکر خدا...
_ تو هم که هنوز زنده‌ای...
_ من صخره‌نوردم مادر...
_ آره، تو صخره‌نوردی، فقط دریانوردها رو آب تو آتیش می‌سوزن...
_ دلم می‌خواست خوب باشید...
_ خوب که هستم، آن‌قدر بی‌غیرت شدم که حتی مرگ پسرم هم نکشتتم...
_ این‌طور نگید...
_مراقب خودت باش... صخره‌ها تو سرما یخ می‌زنن و لیز میشن... کاری نداری؟
_نه مادر... دلم براتون تنگ شده....
_می‌دونم، اما دلش رو نداری بیای دیدنم...
_ببخشید...
_ راحت باش... راحت باش... چرا گریه می‌کنی؟... من می‌فهمم...
_ دارم خفه میشم...
_ شاید به‌خاطر دوده... میگن هوا خیلی بده... چرا حرف نمی‌زنی؟... می‌دونم... برو... راحت باش... فقط سال دیگه این‌موقع زنگ نزن...
تماس رو قطع کرد... دارم خفه میشم... دارم خفه میشم...
یکی از کنارم رد شد، بد نگاه میکنه... لابد فکر کرده دیوونه‌ام....
عق می‌زنم... عق می‌زنم... اما ته دلم هیچی نیست که بالا بیاد... عق می‌زنم... دارم خفه میشم...
دختر جوونی کنارم ایستاد...
_ خانم... خوبید؟...
بدجوری نگاهش می‌کنم... چطوری به‌نظرش رسیده من خوبم...
_ کمک می‌خواید؟ کاری می‌تونم براتون بکنم، برم از این مغازه براتون آب بگیرم؟
_ آب؟!؟
_ شاید یه نوشیدنی شیرین بهتر باشه...
_ من صخره‌نوردم...
_ ها؟!
_ تو سرما صخره‌ها یخ میزنن و لیز میشن...
_ خب... حالا می‌خواید برید صخره‌نوردی؟ تو این هوا؟
_ پس چطوری سال دیگه، همین موقع به مادرش زنگ نزنم؟
دخترک انگار ترسید... اول آروم... بعد با قدم‌های بلندتر از من دور شد...
داد زدم.....
_ سالگرد کشتی سانچی ه... کشتی سانچی... دریانوردها که رو آب تو آتیش سوختن...
دخترک شروع به دویدن کرد...
من دارم عق می‌زنم... فردا باید بساطم رو جمع کنم بروم بالا... شاید دو، سه روزی تو ارتفاعات حالم رو ثابت کنه... دنده‌هام درد گرفت آن‌قدر که عق زدم... بوی دود تموم نمیشه...

پیشنهاد

«فراکتال»

● نمایش فراکتال، کار مهدی سقا، درباره هویت انسانی و جهان پس از مرگ یا مرگ‌اندیشی است که می‌تواند اوقات شما را با طرح پرسش‌هایی بنیادین درباره مسائل مرتبط با هویت برای دقایقی پر کنند. مردگان از خاک بر می‌خیزند و تلاش می‌کنند تا خانه متروکه‌ای را که در آن ساکن هستند، تعمیر کنند. آنها برانژه را که تنها فرد زنده خانه متروک است نیز به مردن دعوت می‌کنند. فراکتال زبان نامتعارفی دارد، چون جهان مردگان امر غیرواقعی است درنتیجه فکرکردن به چنین جهان ناممکنی -دست‌کم در دایره درک معقول- پیامد باورپذیری ندارد. اولا قائل‌شدن به چنین جهانی نیازمند ایمان متافیزیکی است و برخی از بن با آن مخالفت می‌کنند مگر در حد خیال‌پردازی کودکانه قائل به آن باشند و ثانیا در صورت باورداشتن باز هم به‌دنبال یک شمایل ویژه‌تر از آن برخواهند آمد که ما در فراکتال آن را نمی‌بینیم. اینها خود دلایلی است که ارزشمندی این نمایش را برای جلب مخاطب بالاتر می‌برد چون مخاطب به دنبال یک وضعیت تازه خواهد رفت که هم باورش دشوار است و هم انکارش دشوارتر و این همان چالش ذهنی و روانی است که ما را ترغیب می‌کند که برایش ساعت‌ها فکر کنیم و حتی با دیگران بحث و جدل داشته باشیم. نمایش «فراکتال» با مضمون اجتماعی ساختاری است که هر جزء با کل آن همانند است. این اثر به نویسندگی، طراحی و کارگردانی مهدی سقا که در کارنامه کاری خود نویسندگی، بازیگری و کارگردانی در تهران و شهرستان و حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را دارد، از نیمه آذرماه ساعت ۱۹:۳۰ در کارگاه دکور تالار حافظ روی صحنه رفته است.

Saya

BLUE SKY | تصفیه هوا
سری‌هوشمند
■ ۶۵ وات توان
■ تایمر ۲، ۴، ۸ و ۱۲ ساعته
■ ۶ مرحله فیلتراسیون:
پیش فیلتر، فیلتر کربنی، فیلترفوتوکاتالیست، یونایزر، فیلتر هپا، لامپ ماوراء بنفش (UV)
سنسورهای گردو غبار و بو
■ پوشش حدود ۹۵ متر مربع
■ مجهز به کنترل از راه دور ■ کلید لمسی
■ نشانگر تعویض فیلتر
■ NIGHT MODE (سیستم استفاده در شب)
■ ۵۵۰ مترمکعب در ساعت سرعت پخش هوای تصفیه شده

Blue Sky

مرحله تصفیه

Model 602 | تصفیه هوا
■ ۱۴ وات توان
■ تایمر ۲ ، ۴ و ۸ ساعته
■ ۷ مرحله فیلتراسیون:
پیش فیلتر، فیلتر کربنی، فیلترفوتوکاتالیست، یونایزر، فیلتر الکترو استاتیک شتاب دهنده، فیلتر هپا، لامپ ماوراء بنفش (UV)

M260UV | تصفیه هوا
■ ۴۰ وات توان
■ مجهز به کنترل از راه دور
■ ۶ مرحله فیلتراسیون:
پیش فیلتر، فیلتر کربنی، فیلتر هپا
فیلتر فوتوکاتالیست، یونایزر،
لامپ ماوراء بنفش (UV)

پارس خزر 200 25 10 450 ساخت ایران

www.parskhazar.com www.parskhazar.com/shop
سازمان فروش: ۴۲۳۸۰ (۰۲۱) خدمات پس از فروش: ۴۷۰۶ (۰۲۱)